

بخش پنجم

امویان در مسند قدرت و قیام

امام حسین علیه السلام

صلح حَسَنِی و حکومت اموی

مقدمه

با شهادت امیر مؤمنان علی^{الله}، خلافت به سبط اکبر پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} – امام حسن مجتبی^{صلی الله علیه و آله و سلم} – رسید اما کارشکنی‌ها و دشمنی‌های معاویه منجر به قرارداد صلح تحمیلی و واگذاری حکومت به معاویه شد. معاویه برخلاف تعهدات خود، دوره‌ای از فشارها و سختگیری‌های شدید بر شیعیان و علویان را آغاز کرد. ضمن اینکه تلاش کرد به هر ترتیبی شده، فرزندش یزید را به عنوان جانشین و ولی‌عهد خود بر مردم تحمیل کند، در درس حاضر به بررسی عملکرد معاویه در طول بیست ساله حاکمیتش خواهیم پرداخت.

پس از بیعت مردم عراق، مردم حجاز نیز با قدری

تأمل، خلافت امام حسن^{صلی الله علیه و آله و سلم} را پذیرفتند. گفتنی است بیعت شیعیان با آن حضرت با اعتقاد به امامت و خلافت الهی آن حضرت همراه بود، اما بیعت دیگران با آن حضرت، صرفاً به عنوان خلافت و رهبری سیاسی بود. پیش از بیعت مردم، امام^{صلی الله علیه و آله و سلم} خطبه‌ای خواند و آیه تطهیر را – که درباره اهل بیت^{صلی الله علیه و آله و سلم} نازل شده بود – به آنها گوشزد کرد.

خلافت امام حسن^{صلی الله علیه و آله و سلم}

پس از شهادت امیر مؤمنان علی^{الله}، مردم و نیز شیعیان آن حضرت، رویه امام حسن^{صلی الله علیه و آله و سلم} آوردند و از آن حضرت خواستند خلافت را پذیرد. امامت امام حسن^{صلی الله علیه و آله و سلم} سال‌ها قبل توسط رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} ابلاغ و اعلام شده بود و امام علی^{صلی الله علیه و آله و سلم} نیز فرزندش – امام حسن^{صلی الله علیه و آله و سلم} – را جاشین خود اعلام کرده بود و اکنون با بیعت مردم کوفه، آن حضرت به خلافت رسید.

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما دلیل این که امام حسن^{صلی الله علیه و آله و سلم} بر آیه تطهیر تأکید کرد، چه بود؟

صلح تحمیلی

به قتل رسیدند. در ادامه، نامه‌های دیگری بین امام ع و معاویه رد و بدل شد، ولی تبادل نامه‌ها سودی نخشید و راهی جز جنگ باقی نماند. به همین منظور معاویه به کارگزارانش در نواحی مختلف نوشت که همراه سپاهیانش به او ملحق شوند و خودش تا پل متبیج در عراق پیشروی کرد. امام ع نیز به حُجر بن عدی مأموریت داد که مردم و کارگزاران حضرت را برای نبرد آماده کند. با خطبه امام ع و دعوت برخی از یاران نزدیکش همچون : عدی بن حاتم و قیس بن سعد، و پس از قدری سستی و تأمل، حدود دوازده هزار نفر در اردوگاه نُخیله کوفه فراهم آمدند.

امام ع فرماندهی سپاه را به عَبِيدالله بن عباس سپرد و قَيس بن سَعْد و سعید بن قيس را مشاوران او قرار داد. سپاه به سوی مَسْكُن – که معاویه بدانجا پیش رانده بود – حرکت کرد. امام ع نیز خود به ساباط مدائن رفت تا قوای افزون‌تر فراهم سازد و نیز با سپاه اعزامی معاویه

پس از بیعت مردم و آغاز خلافت امام حسن ع، مهم‌ترین مسئله‌ای که پیش روی امام حسن ع قرار داشت، فتنه معاویه در شام بود. در درس قبل اشاره شد که امام علی ع در حالی به شهادت رسید که در تلاش برای تجهیز قوا و حرکت به سوی شام برای مقابله با معاویه بود. امام حسن ع در ادامه این تلاش نامه‌ای برای معاویه ارسال کرد و ضمن بیان پیشینه ظلم‌هایی که از سقیفه به این سو، بر اهل بیت ع رفته بود، از معاویه خواست که همچون دیگر مردمان، با آن حضرت بیعت کند اما معاویه در پاسخ، اختلاف خود و امام ع را همچون اختلاف ابوبکر و اهل بیت ع پس از رحلت پیامبر ص دانست و امام ع را به جوانی و بی تجربگی متهم کرد و خود را برای خلافت شایسته‌تر دانست.

معاویه سپس جاسوسانی به کوفه و بصره فرستاد، اما این جاسوسان شناسایی شدند، و به دستور امام ع

یک توضیح

مردم کوفه

مردم این شهر، در حوادث مختلف، مواضع ناهمگونی داشتند. آنان در جنگ جمل و آغاز صفين، به خوبی با امام علی ع همراهی کردند، اما در سالیان آخر عمر امام ع نسبت به فرمان‌های آن حضرت بی‌اعتنای بودند. امام حسن ع در آغاز خلافتش با مردمی با این پیشینه مواجه بود. به گفته شیخ مفید، اصحاب امام حسن ع متشکل از چند گروه بودند : الف – شیعیان امام علی ع ب – خوارج که صرفاً به علت تصمیم امام حسن ع برای جنگ با معاویه، گرد او جمع شده بودند. ج – افراد طمع کاری که صرفاً به دنبال غنائم جنگی بودند. د – افراد عوام که نمی‌دانستند چه کنند و احتمال چرخش آنها به هرسو که سودآورتر بود، می‌رفت. ه – آنها که به انگیزه تعصبات قبیله‌ای و بی‌توجه به دین، تابع رؤسای قبایل بودند و در بین اینان گروه سوم، تعدادشان بیشتر بود.

که : «الْبَقِيَّةُ الْبَقِيَّةُ»؛ یعنی : ما طالب ماندندیم! از این‌رو، آن حضرت، عبدالله بن نوبل را ترد معاویه فرستاد و فرمود : به معاویه بگو : «اگر مردم بر جان و مال و فرزندان و زنان خود ایمن‌اند من با تو بیعت می‌کنم، در غیر این صورت بیعت نخواهم کرد». اما فرستاده امام ع نزد معاویه، شروط دیگری مانند واگذاری خلافت به امام ع پس از معاویه، و نیز شروط مالی^۲ را از جانب خود مطرح کرد. معاویه نیز پذیرفت و سپس دستور داد تا برگه سفیدی آوردند؛ پایین آن را امضا کرد و آن را نزد امام ع فرستاد. امام ع نیز متن قرارداد را براساس دو محور اصلی تنظیم کرد : عدم تعیین ولی‌عهد توسط معاویه و واگذاری خلافت به شورا (پس از مرگ معاویه) و نیز تأمین امنیت عموم مسلمانان؛ به‌ویژه شیعیان امام ع. بدین ترتیب، امام حسن ع در شرایطی که خود راضی بدان نبود، به ناچار صلح‌نامه را پذیرفت. هرچند برخی از شیعیان، در این خصوص به امام ع اعتراض کردند، اما آن حضرت، سبب اصلی این کار را حفظ باقی‌مانده شیعیان دانست؛ زیرا در شرایطی که سپاه حضرت متفرق شده بود و بخش زیادی خیانت کرده بودند، مقاومت و جنگ، جز هردادن نیروها – بدون دستاورد لازم – چیزی به دنبال نداشت. گفتنی است امام حسن ع در جریان صلح تحمیلی، از خلافت یا همان حکومت ظاهری دست کشید، اما امامت که از جانب خداوند و پس از امام ع او رسیده بود، چیزی نبود که با پشت کردن مردم، از آن حضرت بازستانده شود.

مقابله کند. در آنجا گروه خوارج، پس از پخش شدن خبر دروغ سازش و صلح امام ع با معاویه – که توسط نیروهای معاویه شایع شده بود – به امام ع حمله‌ور شده، بارو بئه امام ع را غارت کردند و یکی از آنان، ضربتی بر ران امام ع وارد ساخت. شیعیان امام را در میان گرفتند و فرد حمله‌کننده به امام را نیز به قتل رساندند. شایان ذکر است که خوارج با وجود دشمنی نسبت به امام علی ع و امام حسن ع، صرفاً به منظور جنگ با معاویه در سپاه امام ع داخل شده بودند.

معاویه تلاش کرد در جبهه مسکن^۱ نیز ایجاد تفرقه نماید. از این‌رو، ضمن پخش شایعه درخواست صلح از سوی امام حسن ع، به عبیدالله بن عباس – فرمانده سپاه نیز پیغام داد که در صورت ملحق شدن به معاویه، یک میلیون درهم دریافت خواهد کرد؛ نیمی اکنون و نیمی پس از ورود به کوفه! و متأسفانه عبیدالله نیز فریب خورد و شبانه به معاویه پیوست.^۲ این موجب شد قریب به دو سوم سپاه عراق به معاویه پیوندند و تنها چهار هزار نفر باقی ماندند و فرماندهی آنان را قیس بن سعد عهده‌دار شد.

به دنبال این وقایع، اشراف عراق نیز ضمن پیوستن به معاویه، وفاداری خود را به او اعلام کردند. معاویه که از شورش خوارج داخل شده، در سپاه امام ع بر او و مجروح شدن حضرت با خبر بود، کسانی را نزد امام ع فرستاد و درخواست صلح را مطرح کرد. آن‌گاه که امام ع پیشنهاد معاویه را با سپاهش در سباط مدائی مطرح کرد و آنان را میان جنگیدن و شهادت یا صلح و ماندن مخیر کرد، بسیاری از آنان فریاد برآوردند

۱- نام مکانی در شمال بغداد.

۲- و این در حالی بود که چندی پیش از این ماجرا، یکی از فرماندهان معاویه – به نام شریین ابی ارطاء – دو فرزند عبیدالله را پیش چشمان مادرشان سربریده بود.

۳- یعنی واگذاری مالیات منطقه دارابجرد و نیز پرداخت سالیانه پنجاه و پنج هزار درهم از بیت‌المال به امام ع.

درباره این پرسش که چرا امام حسین الله علیه السلام با وجود یارانی اندک، جنگید تا به شهادت رسید، اما امام حسن ع اقدام به پذیرش صلح کرد، قدری بیندیشید و دیدگاهتان را به بحث بگذارد.

معاویه بر مسند حکومت

همان دوره خلیفه دوم که معاویه از سوی وی، به عنوان والی و کارگزار شام برگزیده شد، رفته رفته زندگی اشرافی او و بنای کاخی مجلل، موجب اعتراضات صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به معاویه شد؛ اما عمر مخالفت جدی با معاویه بروز نداد!

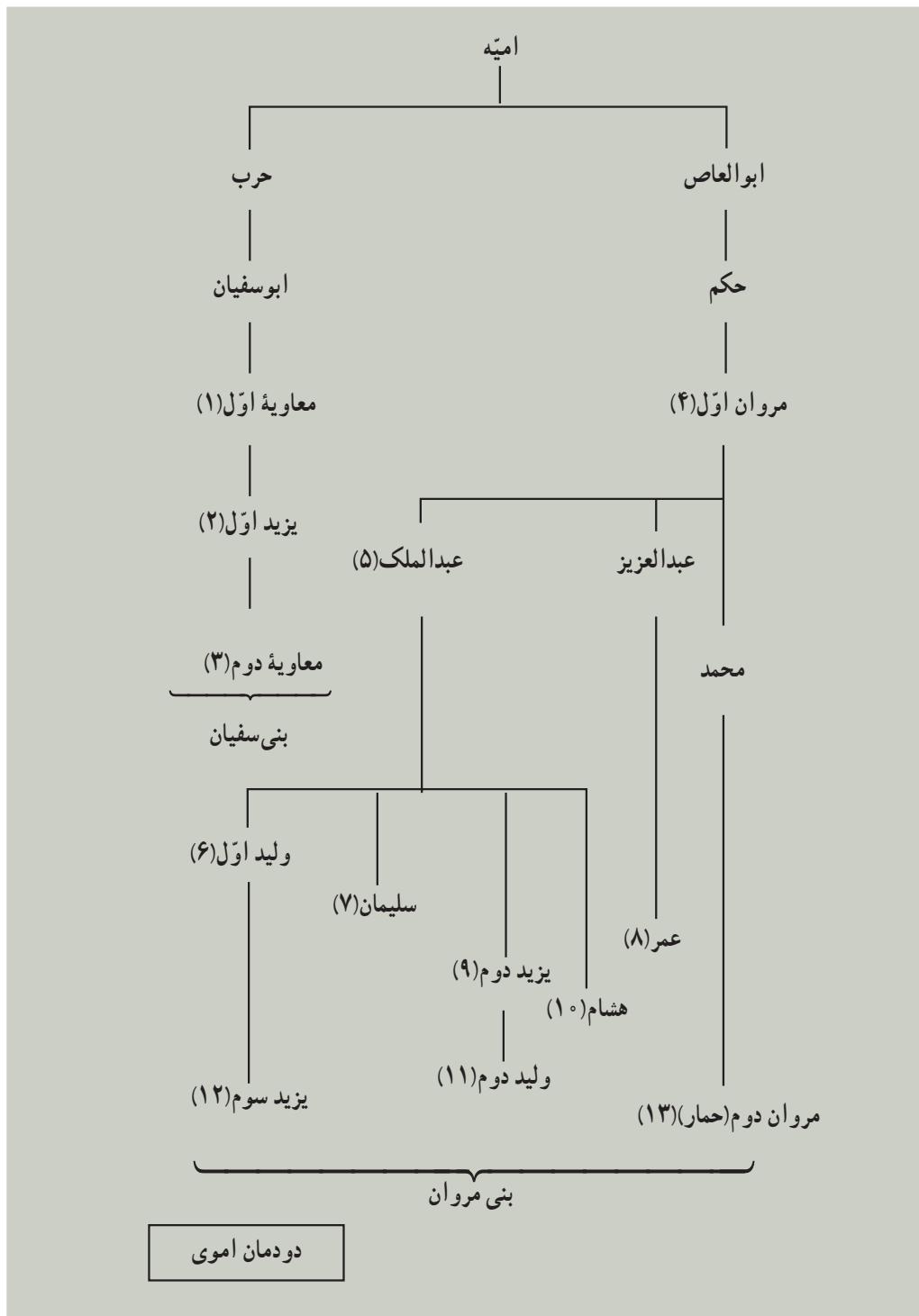
۲— حیله‌گری و بهره‌گیری از زیرکانِ دغل باز :
معاویه جزء طلقاً بود و تا آخرین لحظه ممکن به همراه پدرش — ابوسفیان — با پیشرفت اسلام به مقابله برخاست و زمانی اسلام آورد که مکه فتح شد و او به همراه دیگر گروه‌های مخالف اسلام در مکه، به اسارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآمدند و با منت آن حضرت، آزاد شدند. رفتارهای بعدی معاویه نشان داد که او به ظاهر، اسلام آورده بود و به لوازم آن پاییند نبود. او برای نیل به قدرت، از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزید و از ابزارهای گوناگون بهره می‌جست. او را یکی از دُهات (زیرکان) عرب دانسته‌اند؛ اما این زیرکی او در کلام امام علی الله علیه السلام چنین تفسیر شده است: «به خداوند سوگند، معاویه زیرک‌تر از من نیست؛ اما او اهل غدر (خیانت) و گناهکاری و زشتی است و اگر بدی خیانت‌ورزی نبود، من زیرک‌ترین مردمان بودم».^۱ او بدین منظور، کسانی مانند عمروبن عاص، مُغيرة بن شعبه و زیادبن ابیه که زیرکی منهای پرهیزکاری داشتند را به خدمت خود درآورد.

پیمان تحمیلی صلح امام حسین الله علیه السلام با معاویه، آغاز حاکمیت بنی امية را به دنبال داشت. این حکومت، از سال ۴۱ هجری آغاز و تا سال ۱۲۲ هجری به طول انجامید. دوره حاکمیت معاویه دارای ویژگی‌های خاصی بود او همچنین از روش‌ها و ابزارهای عجیبی برای پیشبرد اهدافش بهره می‌جست. در ادامه به معرفی این ویژگی‌ها و روش‌ها می‌پردازیم.

۱— تبدیل خلافت به پادشاهی : حکومت بنی امية
از همان دوره معاویه، شکل پادشاهی (ملوکیت) یافت. معاویه خودش درباره خویش می‌گفت: «انا اول الملوك»؛ «من اولین پادشاه هستم». سبب این سخن آن بود که خلفای پیشین با عنوان «خلیفة رسول الله» شناخته می‌شدند، اما از دوره معاویه چنین شایع شد که دوره خلافت به پایان رسیده است.

معاویه پس از پیمان صلح با امام حسین الله علیه السلام به کوفه آمد و در یک سخنرانی به مردم چنین گفت: «به خدا سوگند جنگ من برای اقامه نماز، گرفتن روزه و گزاردن حج و دادن زکات (توسط شما) نبود. اینها را که شما انجام می‌دادید. من با شما جنگیدم تا بر شما امارت یابم. و خداوند آن را به من داد، درحالی که شما از آن ناخشنود بودید».

شیوه حکومت معاویه نیز گویای همین معنا بود. از



فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما این گونه از زیرکی، با گونه‌ای از زیرکی که در روایات معصومان علیهم السلام به آن توصیه شده، چه تفاوتی داردند؟

سرزمین سند را تصرف کردند.

مخالفان بنی امیه (شیعیان، خوارج و ...) حکومت بنی امیه از همان آغاز، مخالفانی داشت. مخالفان آنها تنها شیعیان اهل بیت لله علیہ السلام نبودند، بلکه کسانی از صحابه پیامبر ﷺ و نیز گروههایی مانند خوارج نیز جزء مخالفان آنها بودند. در دوره بیست ساله حکومت معاویه، شیعیان یکی از سختترین دوره‌ها را گذراندند. معاویه به کارگزاران خود دستور داده بود که: «هر کس را که دلیلی بر دوستی او نسبت به علی لله علیہ السلام یافتید، نام او را از دیوان بیت‌المال حذف کرده، سهم او را قطع کنید، آزار و شکنجه‌اش دهید و خانه‌اش را خراب کنید». معاویه افراد سنگل و ضد شیعه را برگزیده و به عنوان کارگزار و مأمور خود بر شیعیان مسلط می‌کرد. کشتار و غارت اموال شیعیان از همان اوایل دوره خلافت امام علی لله علیہ السلام آغاز شد. به عنوان مثال، بُسر بن ابی ارطاء به مدینه رفت و شماری از دوستداران امام علی لله علیہ السلام را به شهادت رساند و خانه‌هاشان را ویران کرد. سپس به دیگر مناطق رفت و هر کس از اصحاب علی لله علیہ السلام را می‌یافت می‌کشد! در دوره حکومت معاویه کارگزارانی همچون مغیره بن شعبه، زیاد بن ابیه و سُمّرة بن جُذب جنایات زیادی در حق شیعیان انجام دادند. به عنوان مثال، زیاد بن ابیه در نخستین اقدام خود، دست کسانی را که در مسجد بصره نسبت به حاکمیت او اعتراض کردند، قطع کرد.^۱ او در بصره، نوعی حکومت نظامی برقرار کرد و پس از نماز عشا مأموران هر کسی را می‌یافتدند، می‌کشند!

در چنین فضایی، اگر کسی به اعتراض بر می‌خاست، سرنوشت محتموم او مرگ فجیع بود. سرکوب حرکت

۳- رواج تفکر جبرگرایی: معاویه برای توجیه رفتارهای ظالمانه‌اش، تلاش کرد تفکر جبرگرایی را رواج دهد. براساس این تفکر، تمامی آنچه برای بندگان رخ می‌دهد، طبق خواست و تقدير الهی است و آنان اختیاری از خود ندارند. بدین لحاظ، معاویه درباره موروشی کردن خلافت و ولایتعهدی یزید می‌گفت: «مسئله یزید، قضایی از قضاهای الهی است و در این مورد، کسی از خود اختیاری ندارد».

۴- بدگویی از امام علی لله علیہ السلام و آزار شیعیان: وی از آنجا که کینه شدیدی نسبت به امام علی لله علیہ السلام در دل داشت، در طول دوره حکومتش، دستور به سبت و لعن و بیزاری جویی از آن حضرت بر منابر رسمی داد و مردم را بدین کار و ادار کرد. وی همچنین حدیث‌سازانی را به خدمت گرفت تا روایات دروغین بر ضد اهل بیت لله علیہ السلام و به سود دشمنان اهل بیت لله علیہ السلام جعل کنند و رواج دهند. آزار، اذیت، شکنجه و قتل شیعیان امام علی لله علیہ السلام نیز به صورت جدی در دوره حکومت معاویه دنبال می‌شد؛ و این در حالی بود که وی در پیمان صلح خود با امام حسن لله علیہ السلام تعهد داده بود از این رفتارها پرهیز کند. به جز شیعیان، وی مخالفان دیگری - مانند خوارج - داشت که به سرکوب آنان نیز پرداخت.

۵- موروشی کردن خلافت: معاویه به دنبال بنادری سلسله پادشاهی امویان بود. از این‌رو، مانند نظام‌های سلطنتی آن را به صورت موروشی درآورد و فرزند ناصالح خود - یزید - را ولیعهد خود قرار داد.

۶- توسعه دامنه فتوحات و قلمرو حکومت: در دوره معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت. مسلمانان قبرس را فتح کردند و تا نزدیک قسطنطینیه پیش رفتند و در شرق، سیستان و بلوچستان امروزی و قسمتی از

معترضانه حُجْرَبِن عَدِيٍّ در کوفه و کشتن او و یارانش به خود گرفت. او در سفرش به مکه و مدینه کوشید با بخشش‌های زیاد به مردم، آنها را برای این کار متقادع سازد اما مشکل زمانی حل می‌شد که افراد شاخص موافقت کنند؛ یعنی کسانی همچون حسین بن علی^۱، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زیر و عبدالله بن عمر. معاویه به منظور جلب رضایت آنان، پیش از آمدن به مدینه نامه‌های مختلفی مشتمل بر تهدید و تطمیع، برای مخالفان ارسال کرده بود. در مجلسی که در مدینه تشکیل شد، نیز پس از ابراز برخی مخالفت‌ها، تهدیدهای او تکرار گشت.

معاویه سپس به سوی مکه حرکت کرد. او در آنجا با حیله و نیرنگ، در جمع حاجیان، به دروغ اعلام کرد که آن چند نفر مخالف، پنهانی با او بیعت کرده‌اند و گروهی از شامیان نیز با شمشیرهای از نیام برآمده، فریاد زدند که باید آنها علناً بیعت کنند. اما معاویه آنها را ساكت کرد، سپس از منبر به زیر آمد و هدایایی بین مردم تقسیم کرد و راهی شام شد! در آن مجلس، با اینکه آن چند نفر حضور داشتند؛ اما به علت فضای خفقان‌آمیز موجود، نتوانستند ابراز مخالفت کنند، اما به مردم گفتند که بیعتی در کار نبوده است. چند سال بعد که معاویه به حاکم مدینه نوشت تا برای یزید بیعت بگیرد، او نیز در پاسخ نوشت که آن چند نفر بیعت نکردند. بدین ترتیب، معاویه تلاش کرد قبل از مرگش نهایت تلاش خود را برای جانشینی یزید به کار بندد.

معترضانه حُجْرَبِن عَدِيٍّ در کوفه و کشتن او و یارانش توسط معاویه، از جمله این نمونه‌هاست.

خوارج نیز جزء گروه‌های مخالف بنی‌امیه بودند. آنان علاوه بر تبری و بیزاری جویی از علی^۲ و فرزندان او، نسبت به بنی‌امیه نیز دشمنی داشتند. خوارج غالب به علت عدم اعتقاد به تقیه^۳، حاضر می‌شدند در گروه‌های بسیار کوچک چهل یا هفتاد نفری با نیروهای اموی درگیر شوند. اینان برای جنگ با معاویه تردیدی نداشتند، اما به علت اندکی و ضعف نیروها شکست می‌خوردند. امیر مؤمنان^۴ پس از شکست خوارج در نهروان، ضمن این که از باقی ماندن جریان آنان در طول تاریخ خبر داد، شیعیان را از درگیری با آنان منع کرد. این بدان جهت بود که خوارج دشمن بنی‌امیه نیز بودند و درگیری شیعیان با خوارج موجب غفلت آنان از دشمن اصلی و به سود بنی‌امیه بود. با وجود این، در شورش‌های خوارج در دوره معاویه، شیعیان نیز در برخی از درگیری‌ها در برابر خوارج قرار داشتند.

ولی‌عهدی یزید (موروثی کردن خلافت)

یکی از اقدامات شوم معاویه، موروثی کردن حکومت و خلافت، از طریق اعلام ولای‌عهدی یزید و بیعت گرفتن برای او بود.

در سال ۴۹ هجری^۵، معاویه با مسموم کردن امام حسن^۶ به دست همسرش^۷ عملایکی از مهم‌ترین موانع را از سر راه برداشت! تلاش معاویه برای اخذ بیعت بر ولای‌عهدی یزید، از سال ۵۵ هجری شکل جدی‌تری

۱- تقیه یعنی فرد مؤمن به علت وجود مصلحت بالاتر، اعتقاد حق خویش را پنهان و خلاف آن را آشکار کند.

۲- و بنا بر روایتی دیگر، در سال پنجم‌هم هجری.

۳- جَعْدَه، دختر اشعث بن قیس



عمر و بن عاص بن وائل یکی از شخصیت‌های زیرک و مرموز در حوادث صدر اسلام است. پدرش همان کسی است که پیامبر ﷺ را آبتر خواند و سوره کوثر در مذمت او نازل شد. عمر و بن عاص پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ جزء کسانی بود که بردوش پیامبر ﷺ شکمبه شتر انداختند. وی همچنین برای آزار رسول خدا ﷺ اشعاری سروده بود که کودکان آن را می‌خواندند، بدین جهت آن حضرت وی را مورد لعن خویش قرار داد. پس از هجرت مسلمانان به حبشه، وی از سوی مشرکان به آنجارفت تا مسلمانان را باز گرداند، اما دست خالی بازگشت. وی در سال هشتم هجری – اندکی پس از فتح مکه – اسلام آورد و مأموریت‌هایی از سوی رسول خدا ﷺ به او داده شد؛ همچون فرماندهی سریه ذات‌السلاسل و نیز جمع‌آوری زکات مردم عُمان. او در دوره خلافت ابوبکر و عمر از تزدیک ترین افراد به آنان بود. در سال ۱۲ هجری ابوبکر او را با سپاهی به فلسطین فرستاد و تصرف غرب اردن به دست او بود. وی در فتح شام نیز حضور داشت. او در دوره عمر، والی فلسطین شد و سپس به همراه سپاهی، مصر را فتح کرد و خودش والی آنجا شد و در بخشی از دوره عثمان نیز در این سمت باقی بود. سپس عثمان وی را عزل و عبدالله بن سعد بن ابی سرّح را والی آنجا کرد. او در دوره خلافت امام علی ﷺ به معاویه پیوست و همه کاره دستگاه حکومتی او شد. وی با نیرنگ‌هایی (همچون قرآن بر سر نیزه کردن) در صفين و در دیگر موارد توانست معاویه را از خطر سقوط برهاند. از این‌رو، معاویه او را به مصر فرستاد. عمر و بن عاص پس از کشتن محمد بن ابی بکر – فرستاده امام علی ﷺ به مصر – خود حاکم آنجا شد و تا هنگام مرگش در سال ۴۳ هجری در این سمت باقی بود. او در کلام امیر مؤمنان ﷺ به شدت مورد نکوهش قرار گرفت و به عنوان مُحارِب نسبت به اسلام و پیامبر ﷺ معرفی شد.

پرسش‌های نمونه

۱- معاویه چگونه توانست صلح را بر امام حسن ﷺ تحمیل کند؟

۲- مفاد صلح‌نامه امام حسن ﷺ و معاویه را بازگویید.

۳- ویژگی‌ها و چگونگی عملکرد معاویه را به طور خلاصه بیان کنید.

۴- شیعیان در عصر خلافت معاویه در چه وضعیتی به سر می‌برند.

۵- معاویه چگونه توانست ولایته‌داری بیزید را بر مردم تحمیل کند؟

اندیشه و جست و جو

۱- یکی از حوادث خون‌بار، قتل حُجربن عَدَى به دست معاویه است. درباره این حادثه گزارشی تاریخی ارائه کنید.

۲- نقش معاویه در جعل حدیث برضد اهل بیت ﷺ را ضمن پژوهشی به صورت مستند ارائه کنید.

حمسهٔ حسینی

مقدمه

حوادث پدید آمده پس از رحلت رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلام، بستری برای رخدادهای تأسف‌آور بعدی شد. دیدیم که بنی‌امیه چگونه توانستند با بهره‌گیری از تسامح دو خلیفهٔ اول و دوم و قوه‌گرایی سومین خلیفه، رفتہ زمینه‌اقدتار بیشتر خود را فراهم آورند و نهایتاً با تحمیل صلح بر امام حسن صلوات الله عليه وآله وسلام پادشاهی اموی را تأسیس کنند. آنان به تضاحک قدرت سیاسی بسندن نکردند و حرکتی فرهنگی رانیز آغاز کردند تا جامعه را از اسلام اصیل دور سازند. از این‌رو، امام حسین صلوات الله عليه وآله وسلام با آگاهی دقیق از حرکت مر موز بنی‌امیه، قیام خونینش را به انجام رساند و نقشی ماندگار بر صفحات تاریخ رقم زد، این حادثه، دارای آثاری بود که واقعهٔ حرّه و قیام‌های توّابین و مختار از آن جمله است. در درس حاضر به بررسی حمسهٔ حسینی و مسائل پیرامون آن می‌پردازیم.

زمینه‌های قیام

۱- زمینه‌های سیاسی: در درس‌های پیشین حمسهٔ تاریخی امام حسین صلوات الله عليه وآله وسلام در بی مجموعه‌ای از رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پدید آمد که آنها زمینه‌ساز بروز این قیام بودند. رخدادهای زمینه‌ساز این قیام تنها به سالیان پیش از حادثه مربوط نبوده و باید آنها را در حوادث پس از رحلت رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلام ریشه‌یابی کرد. بدین‌منظور، زمینه‌های قیام امام حسین صلوات الله عليه وآله وسلام را در سه محور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مرور به مدت چند ماه آن هم در حال جنگ با معاویه عهده‌دار

معاویه – که خود تا حدودی ظواهر اسلام را حفظ می‌کرد – کسی را به ولیعهدی معرفی کرد که به انجام علنى گناهان مشهور بود؛ از این‌رو، امام حسین الله علیه السلام با مشاهده چنین وضعی، قیامی را ترتیب داد که توانست به صورت آشکار دو خط حق و باطل را از یکدیگر جدا سازد.

خلافت بود. انحراف جریان خلافت از مسیر ترسیم شده توسط رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم سبب شد رفته رهبری سیاسی جامعه در دستان کسانی قرار گیرد که کمترین شایستگی را نسبت به خلافت و حاکمیت دارا نباشند. خاندان بنی امية که در آخرین لحظات ممکن و پس از فتح مکه، به ظاهر اسلام آورده بودند، زمام امور را در دست گرفتند و نهایتاً

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانیم بین مسیری که جریان خلافت پس از رحلت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم پیدا کرد، با حادثه عاشورا ارتباطی ایجاد

کنیم؟

۲- زمینه‌های فرهنگی : یکی از اقدامات خلیفه را می‌طلبید که طی آن، معیارهای درست شناخت دین، مجدداً به مردم معرفی شود.

۳- زمینه‌های اجتماعی : متأسفانه مردم آن زمان نیز رفته از خلق و خوی اسلامی فاصله گرفته و گرفتار نوعی بازگشت به عصر جاهلی شده بودند؛ به عنوان مثال، در عصر جاهلی، نگاههای نژادپرستانه رواج داشت و عرب بودن نوعی امتیاز بود. رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم با این فکر به مقابله برخاست و هرگونه امتیاز ناشی از چیزی غیر از تقاو و پرهیزکاری را مردود شمرد اما در دوره خلفا، این گونه امتیازات کاذب مجدداً مطرح شد. خلیفه دوم، نظامی طبقاتی در تقسیم بیت‌المال و نیز امتیازات سیاسی و اجتماعی را برقرار ساخت. در دوره حاکمیت بنی امية، یعنی عصر عثمان و معاویه این نوع نگاه رو به شدت و فزونی نهاد. امیر مؤمنان علی الله علیه السلام در دوره کوتاه خلافتش آن را مُلغی اعلام کرد و در عمل نیز همچون رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم رفتار کرد، اما معاویه و دیگر خلفای

دو، جلوگیری از نقل و تدوین احادیث رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم توسط مسلمانان بود. این امر رفته رفته موجب شد مسلمانان از سنت رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم دورتر و به اموری که به صورت بدعت آمیزی در دین داخل می‌شد، عادت کنند. پیشتر، درباره شیوه عملکرد معاویه، اشاره کردیم که او تلاش می‌کرد با استخدام دین فروشان دنیاطلب، روایات مجعلو و دروغین در جامعه رواج دهد؛ و این در حالی بود که صحابه پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و تابعین^۱ در فضای خفقان آمیز آن دوره، از نقل شنیده‌های خود از رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم یا دیگران – که خوشایند حاکمیت اموی نبود – ممنوع بودند. بنابراین، فضای فرهنگی جامعه در دهه‌های پس از رحلت رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم تا حماسه حسینی، به‌گونه‌ای پیش رفت که معارف دینی دچار تحریف و تغییر شد و بسیاری از امور خارج از دین و بدعت آمیز، به نام دین در اختیار مردم قرار گرفت. این وضعیت، حرکتی انقلابی

۱- تابعین به کسانی گفته می‌شود که موفق به ملاقات رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم نشده، اما با صحابه آن حضرت دیدار و همنشینی داشته‌اند.

از مخالفان به کار بست؛ از این رو طی نامه‌ای، از والی خود در مدینه – ولید بن عُتبة بن أبي سفیان – خواست که به سرعت از امام حسین اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَأَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ و نیز عبدالله بن زبیر – که بیشترین احتمال خلافت در آنها می‌رفت – بیعت بگیرد. با آمدن فرستاده والی نزد امام، آن حضرت دریافت که معاویه از دنیا رفته، لذا هنگام رفتن به قصر والی، جمعی از افراد بنی هاشم را به طور مسلح با خود همراه کرد. آن شب، امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ در برابر درخواست والی مدینه، و نیز اصرار مروان بن حکم برای بیعت با یزید، ضمن مخالفت، چنین فرمود: «یزید مردی فاسق و شراب‌خوار و قاتل نفوس محترم بوده و کسی است که آشکارا به انجام فسق و گناه می‌پردازد و شخصی چون من با کسی چون او بیعت نخواهد کرد».

اموی، نگاه طبقاتی، قبیله‌ای و نژادی را به شدت رواج و مورد عمل قرار دادند. همچنین گرایش‌های دنیاطلبانه بعضی از حاکمان، خلق و خوی دنیاطلبی را در بدنه جامعه نیز تسری داد و این حقیقت در کلمات امام حسین اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ این‌چنین نمود یافته است: «همانا مردم بندگان دنیا یند و دین بازیچه زبانهای آنهاست و تا آنجا گرد دین می‌چرخدند که معیشت‌شان فراهم آید؛ و آن‌گاه که با بلایا آزموده شوند، دین‌داران اندک اند».

از مدینه تا کربلا

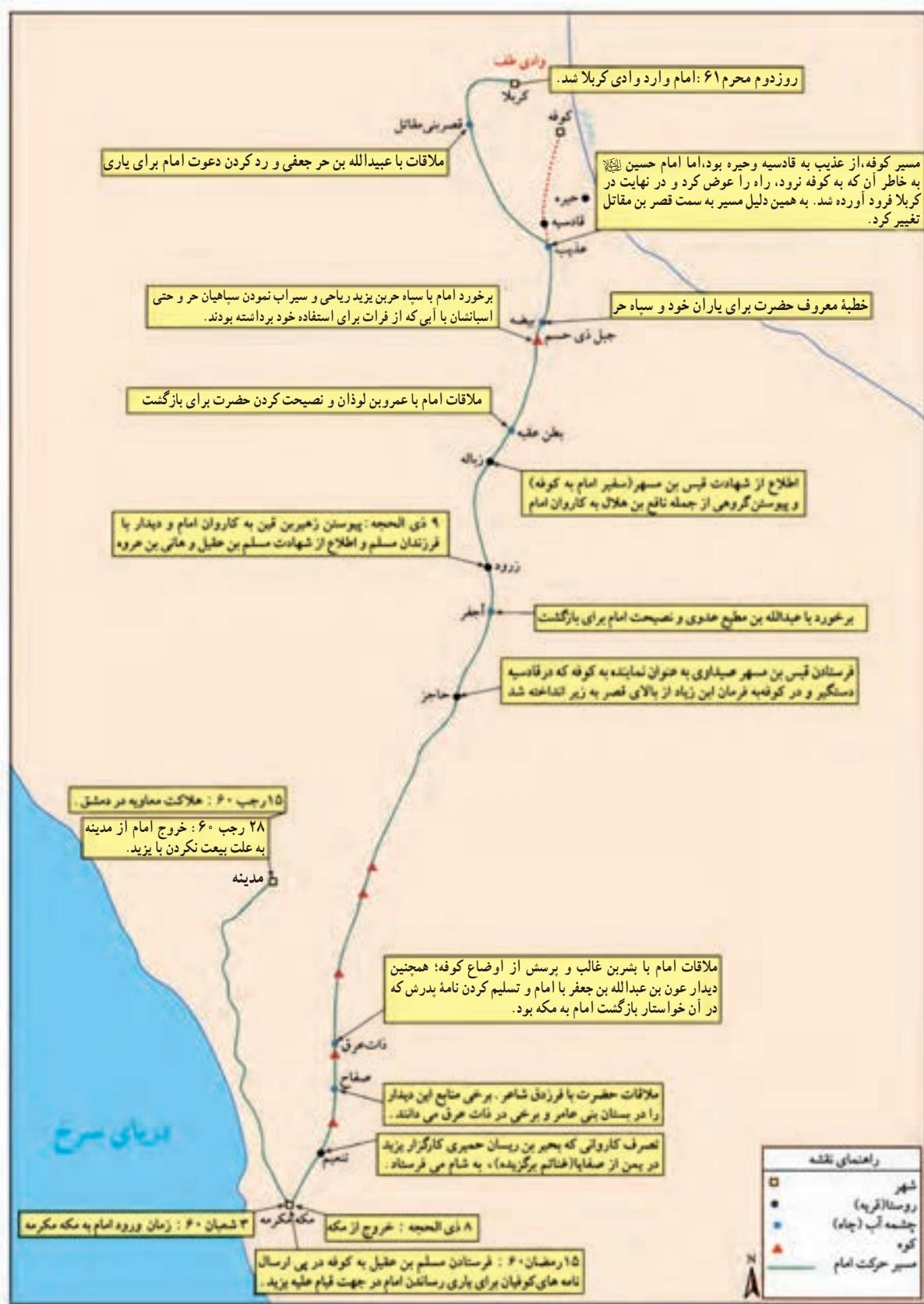
با مرگ معاویه در ماه ربیع سال شصتم هجری، یزید طبق قرار قبلی به خلافت رسید. این خبر هنوز به مدینه نرسیده بود که یزید همه تلاشش را برای اخذ بیعت

فکر کنید و پاسخ دهید

آگاهی‌های خود درباره ویژگی‌های ولید بن معاویه را به بحث بگذارید.

امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ شب بعد (سوم شعبان سال شصتم هجری) امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ پس از آنکه نامه‌های بی‌دریی کوفیان به امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ رسید و طی آن نامه‌ها، از حضرت دعوت کرده بودند به کوفه رود. امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ پسرعموی خود – مُسلم بن عَقِيل – را مأمور رفتن به کوفه کرد و به او فرمود: «اگر دیدی امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ شرکت جست. امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ در مدت اقامتش در مکه، با شخصیت‌های مختلف حاضر در آنجا دیدار و گفت و گو داشت و علل عدم بیعت خود را با یزید بیان می‌کرد. در این مدت، نامه‌های کوفیان نیز به دست او بیعت کردند.

پس از آنکه نامه‌های بی‌دریی کوفیان به امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ رسید و طی آن نامه‌ها، از حضرت دعوت کرده بودند به کوفه رود. امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ پسرعموی خود – مُسلم بن عَقِيل – را مأمور رفتن به کوفه کرد و به او فرمود: «اگر دیدی امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ شرکت جست. امام اللهمَّ إِنِّي أَنْعَمْتَنِي بِأَهْلِ الْمَدِينَةِ در مدت اقامتش در مکه، با شخصیت‌های مختلف حاضر در آنجا دیدار و گفت و گو داشت و علل عدم بیعت خود را با یزید بیان می‌کرد. در این مدت، نامه‌های کوفیان نیز به دست او بیعت کردند.



مسیر حرکت کاروان امام حسین (ع) از مدینه تا کربلا، مأخذ: اطلس شیعه، رسول جعفریان

برای حمایت از امام اعلام کرده بود و دیگر آنکه خطر سوء قصد عوامل یزید به جان آن حضرت در مکه وجود داشت. آن حضرت در مسیر حرکت به عراق، از شهادت مسلم باخبر شد، اما چاره‌ای جز ادامه مسیر نبود. به جز مسلم، امام اللیثی دو فرستاده دیگر^۱ نیز به کوفه اعزام کرده بود که خبر شهادت آنان – پس از خبر شهادت مسلم – به حضرت رسید.

نخستین برخورد امام با سپاه دشمن، برخورد با سپاه هزارنفری به فرماندهی حرب بن یزید ریاحی بود. این سپاه مانع حرکت امام اللیثی به سوی کوفه شد و بهناچار، آن حضرت در دوم محرم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا فرود آمد.

رهبران حزب اموی با دیدن گرایش مردم کوفه به فرستاده امام حسین اللیثی، از رفتار نرم نعمان بن بشیر – والی کوفه – یزید را مطلع کردند؛ از این‌رو، یزید او را عزل و عُبیدالله بن زیاد را – که والی بصره بود – برای کوفه نیز نصب کرد. با آمدن ابن‌زیاد به کوفه، و تهدیدات شدید او، رفته رفته مردم از گرد مسلم بن عقیل پراکنده شدند و نهایتاً عبیدالله توانست مسلم را دستگیر و در روز نهم ذی الحجه سال ۶۰ هجری (روز عرفه) به شهادت رساند.

امام حسین اللیثی در روز هشتم ذی الحجه (یک روز پیش از شهادت مسلم) از مکه خارج شد و راه عراق را در پیش گرفت. آن حضرت در رفقن به کوفه شتاب داشت و سبب این کار دو چیز بود : یکی آنکه مسلم آمادگی کوفیان را

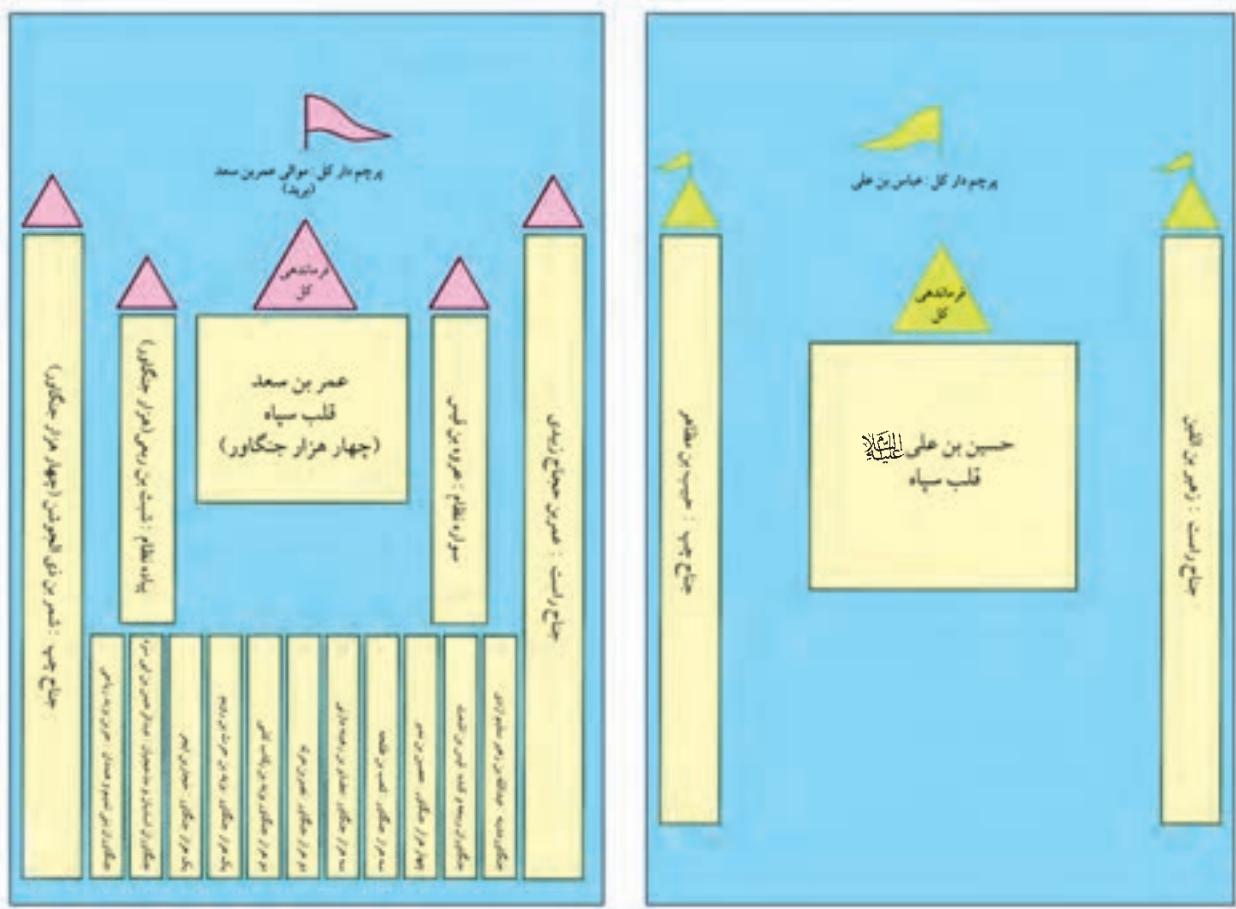
فکر کنید و پاسخ دهید

به‌نظر شما، با وجود آگاه شدن امام از خیانت مردم کوفه، چرا آن حضرت همچنان به سوی کوفه ادامه مسیر داد؟

صادر کرد! این گونه سختگیری‌ها موجب شد همه کسانی که به سن بلوغ رسیده بودند، در لشکرگاه کوفه (نُحَيْلَة) حاضر شوند. البته کسانی هم تلاش کردند راه فرار در پیش گیرند و نیز کسانی در صدد پیوستن به سپاه امام بودند اما باکترل شدید راه‌ها، چنین کاری بسیار دشوار بود. در عین حال، بسیاری از مردم، یا در کوفه مخفی شده بودند یا از بین راه، از سپاه کوفه می‌گریختند و بسیاری از مردم نیز گمان جنگ و شهادت امام حسین اللیثی را نمی‌بردند. از فردای روز ورود امام به کربلا سپاهیان این زیاد به تدریج در این سرزمین جمع شدند.

حادثه کربلا با آمدن امام حسین اللیثی به سرزمین کربلا، زمینه‌های تحقیق یک رخداد عظیم در تاریخ بشر به تدریج فراهم آمد. ابن زیاد با آگاهی از حضور امام در کربلا، مردان کوفه را با تهدید به قتل خود و خانواده‌شان برای حضور در جنگ با امام اللیثی بسیج کرد. وی به مأموران خود دستور داد در شهر بگردند و هر کس را یافتند که به سپاه کوفه ملحق نشده، او را به قتل برسانند. آنان مردی از قبیله هَمَدان را یافتند که در طلب میراث پدرش به کوفه آمده بود. وی را نزد ابن زیاد بردند و او نیز فرمان قتلش را

۱- قیس بن مُسْبِهْ صیداوی و عَبْدَاللهِ بْنُ بُطْرُ.



چگونگی آرایش و سازماندهی سپاه امام حسین (ع) در روز عاشورا
روز عاشورا

مأخذ: اطلس شیعه، رسول جعفریان

چگونگی آرایش و سازماندهی سپاه امام حسین (ع) در روز عاشورا

نصیحت کند و آگاهی دهد و خود آغازگر جنگ نباشد،
اما از آنسو، جنگ آغاز گشت. البته کسانی هم از
سپاه دشمن به جبهه امام (ع) پیوستند. یکی از اینان،
حرّ بن یزید ریاحی بود؛ هم او که راه را بر امام بسته و
روز نهم (تاسوعا) به سپاه امام (ع) حمله برد، اما امام (ع)
درخواست کرد درگیری به فردای آن روز موقول شود
او نیز بی درنگ به میدان جنگ رفت و شجاعانه جنگید و
به شهادت رسید.

در آغاز، نبرد تن به تن آغاز شد اما از آنجا که یاران
امام (ع) مسلح به نیروی ایمان بودند، یکی از فرماندهان
دشمن رویه سپاه خود کرد و گفت: «شما در حال جنگ با
قهرمانان عرب هستید. اگر آنان را تیرباران نکنید،

فرماندهی سپاه ابن زیاد با عمر بن سعد بن أبي وفاص
بود. وی به طمع حکومت بر ری، فرماندهی چنین
جنگی را پذیرفته بود. سپاه ابن زیاد قصد داشت عصر
روز نهم (تاسوعا) به سپاه امام (ع) حمله برد، اما امام (ع)
درخواست کرد درگیری به فردای آن روز موقول شود
تا آن شب را به عنوان آخرین شب زندگی، به عبادت و
راز و نیاز با معبود پردازند و آن شب در خیمه‌های
امام (ع) و یارانش نجواهای عاشقانه از تلاوت قرآن و
دعا و نماز برپا شد.

صبح روز دهم (عاشورا) در حالی که امام (ع) تلاش
داشت افراد جاهل و فریب خورده از سپاه ابن زیاد را

مطهر و بدون سر و قطعه قطعه شده امام العَلِيَّةُ و بیش از هفتاد تن از یاران و اهل بیت‌ش بر روی خاک‌های گرم و تفتیه کربلا در خون غلتان بود و اسطوره جاوید حماسه و ایشار و شهادت در تاریخ بشر رقم خورد.

به دست آنها کشته خواهید شد». از این‌رو تیرباران شدیدی انجام گرفت و در طی چند درگیری، نخست اصحاب امام العَلِيَّةُ و سپس افراد خاندان امام العَلِيَّةُ به ترتیب به شهادت رسیدند و غروب عاشورا در حالی فرا رسید که اجساد

یک توضیح

آگاهی امام حسین العَلِيَّةُ از شهادت

بر اساس روایات موجود، امام حسین العَلِيَّةُ از شهادت خود در سرزمین کربلا آگاه بود و از این‌رو، آن حضرت، حرکتی آگاهانه و مبتنی بر اهداف روشن را آغاز کرده بود. گفتنی است آگاهی آن حضرت از شهادت، با اهداف سیاسی و حکومتی آن حضرت منافاتی ندارد و هدف اصلی حرکت امام العَلِيَّةُ که جداسازی حق از باطل و ترسیم مسیر شهادت طلبی در طول تاریخ بود، با شهادت آن حضرت به دست می‌آمد.



تابلوی عصر عاشورا؛ اثر استاد محمود فرشچیان

حرم مطہر حضرت امام حسین الیشیاد و حضرت ابوالفضل العباس الیشیاد



نقش تاریخی قیام امام حسین

امام حسین ع چه هدف یا اهدافی را از قیام خونینش دنبال می کرد؟ آیا نابودی بنی امية جزء اهداف اصلی او بود؟ یا برقراری حکومت عدل؟ یا ...؟ آن حضرت خود، سبب حرکتش را اقامه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه و برداشت بدعثها از چهره دین پیامبر ص معرفی کرده است. گفتیم که جامعه اسلامی پس از رحلت رسول خدا ص رفته رسیری انحرافی را در پیش گرفت و از معیارهای اصیل مکتب اسلام فاصله گرفت. سنت نبوی ص به فراموشی سپرده و یا تحریف شد و آیات قرآن نیز براساس میل حاکمان تفسیر می شد. قیام و شهادت شخصیتی چون امام حسین ع توانست به مردم جهان در پنهان تاریخ بفهماند که خط ترسیم شده توسط بنی امية، نزد شخصیت مقصوم و پاکی چون حسین بن علی ع باطل است و بهترین گواه بر این مدعما، شهادت اوست. بدین لحاظ، آثار قیام حسینی را باید در طول تاریخ و همه زمانها جستجو کرد و نه در عصر بنی امية و بنی عباس؛ و این همان نقش ماندگار و تاریخی قیام حسینی است.

واقعه حَرَّه

از آنجا که ماهیت شخصیت یزید و حکومتش، آمیخته با ظلم و جنایت بود، وی به جنایت بزرگش در کربلا بسنده نکرد و جنایات دیگری را نیز در طول عمر کوتاه و ننگینش مرتكب شد که واقعه حَرَّه واقع یکی از آنهاست. در روز درگیری، شهر را تصرف کنند.

۱- نوعی آلت موسیقی

- ۲- وی فرزند همان حنظله غسیل الملائکه است؛ جوانی که به شوق شهادت، صبحگاه شب ازدواجش، در جنگ احـد حاضر شد و به شهادت رسید و پیامبر ص گواهی داد که ملائکه او را غسل داده اند.
- ۳- وی به علت جنایات و خونریزی های فراوان، به مُسرِف بن عُقبه مشهور شد.
- ۴- از این رو، این رخداد، به واقعه حَرَّه واقع معروف شده است.

به سوی شام شدند و سپس هزار نفر دیگر نیز به آنها ملحق شدند. توابین ابتدا به کربلا رفتند و پس از گریه و عزاداری، از خدا خواستند توبه‌شان را بپذیرند. سپس با قبر امام حسین علیهم السلام و شهداء وداع کرده، راهی شام شدند.

پس از برخورد دو سپاه، درگیری آغاز شد. هر چند در آغاز، پیروزی از آن توابین بود، اما از آنجا که نیروهای تازه‌نفس، پی‌درپی به سپاه شام ملحق می‌شد، با شهادت سلیمان و بعضی دیگر از فرماندهان و نیروهای توابین، نهایتاً رُفاعة بن شداد بقیه نیروهای توابین را به عقب بازگرداند.

پس از قیام توابین، قیام دیگری برای خونخواهی امام حسین علیهم السلام رقم خورد و آن، قیام مختار بن ابی عبید ثقی بود. وی هنگام حضور عبیدالله بن زیاد در کوفه، توسط او زندانی شد و با وساطت شوهر خواهش عبیدالله بن عمر – آزاد گشت. او از آنجا که با شیوه عمل توابین موافق نبود، خود به دنبال جمع‌آوری نیرو در کوفه و اطراف بود؛ لذا یک چهارم طرفداران توابین به مختار پیوستند اما با تحریک اشراف کوفه و قاتلان امام حسین علیهم السلام، مختار مجدداً زندانی شد و مجدداً با وساطت ابن عمر آزاد شد. پس از شکست توابین، مختار تبلیغات خود را آغاز کرد. او توانست نیروهای زیادی گرد خود جمع کند و شهر کوفه را به تصرف درآورد.

مختار پس از تصرف کوفه، بسیاری از قاتلان شهدای کربلا را دستگیر و مجازات کرد. او سه دسته دشمن داشت: اشراف کوفه، بنی امية در شام و

بنای وعده‌ای که یزید به سپاهش داده بود، تا سه روز، اموال و نوامیس مردم مدینه بر سپاه شام مُباح اعلام شد! مسلم بن عُقبه، بسیاری از اسیران را به قتل رساند و حتی سرهای بسیاری از کشته شدگان از صحابه رسول خدا علیهم السلام را نیز از تن جدا کرد! وی پس از تسلط بر شهر، از مردم مدینه برای بندگی یزید بیعت سtantاند!

خونخواهی قیام امام حسین علیهم السلام

قیام توابین و مختار: امویان هر چند به ظاهر توانستند امام حسین علیهم السلام و گروه اندک یاران و خاندانش را در کربلا به شهادت برسانند و به اسارت ببرند اما این کار حکم جرقه‌ای داشت که به انبارهای باروت زده باشند. مردم کوفه خود، دعوت‌کننده امام حسین علیهم السلام بودند اما بخشی از آنان شریک در قتل امام علیهم السلام شدند و بخشی نیز او را یاری نکردند. آنان که به هر دلیل موفق نشده بودند، در قیام امام علیهم السلام شرکت جویند به شدت احساس پشیمانی داشتند. پس از هلاکت یزید در ماه ربیع الاقل سال ۶۴ هجری، شیعیان کوفه در خانه سلیمان بن چرَد خُزاعی^۱ اجتماع کردند و درباره چگونگی انتقام گیری از امویان چاره‌اندیشی کردند.^۲ سپس مبلغان خود را برای جمع‌آوری و آماده‌سازی شیعیان به اطراف پراکنند. گروه توابین در ربیع الاول سال ۶۵ هجری در اردوگاه نخلیه کوفه گرد آمدند و به قصد مقابله با سپاه شام که فرماندهی آن را عبیدالله بن زیاد به دست داشت، حرکت کردند.

با اینکه دوازده یا شانزده هزار نفر با سلیمان بن چرَد بیعت کرده بودند اما تنها چهار هزار نفر آماده حرکت

۱- وی پیرمردی از صحابه پیامبر ﷺ و از یاران امام علیهم السلام بود.

۲- آنان با استناد به آیه ۵۴ سوره بقره، در بی‌توبه و کشته شدن خود بودند تا خطای خویش را جبران کنند: «يَا قَوْمٍ إِنَّكُمْ ظَلَمُوكُمْ أَنْفُسَكُمْ بِإِنْخَادِكُمْ»

الْعِجْلَ فَتَوُّبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...».

عبدالله بن زییر در حجاز. قیام مختار در ریبع الاول سال ۶۶ هجری با شعار خونخواهی امام حسین علیه السلام آغاز شد به دست مصعب (برادر عبدالله بن زییر)، در سال ۶۷ و پس از درگیری‌ها و حوادث متعدد — که مهم‌ترین آنها هجری به پایان رسید.



حرم مطهر حضرت زینب علیہ السلام

حضرت زینب علیہ السلام

حضرت زینب علیہ السلام در پنجم جمادی الاول سال پنجم یا ششم هجری از مادری چون حضرت فاطمه علیہ السلام و پدری چون حضرت علی علیه السلام زاده شد. از جمله القاب او، صدیقه صغیر و عالمه غیر معلم است. همسرش عبدالله بن جعفر بود که پسر عمومی او و یکی از برجستگان خاندان بنی هاشم بهشمار می‌آمد. گفته شده که حضرت زینب علیہ السلام از همسرش دارای پنج فرزند بود که دو تن از آنها (عون و محمد) در کربلا به شهادت رسیدند. یکی از القاب مشهور حضرت زینب علیہ السلام، ام المصائب است؛ زیرا او به جز تحمل مصیبت از دست دادن جد و مادر و پدر و برادر، در کربلا شاهد مصیبتهای بسیار بود. او با صبر و استقامت و شجاعت توانست نهضت حسینی را ادامه دهد و به ثمر رساند؛ زیرا خاندان بنی امية تلاش داشتند خود را مُحقّ جلوه دهند و حرکت امام حسین علیه السلام را

خروج عده‌ای یاغی علیه خلیفه مسلمانان معرفی کنند. آنان بدین لحاظ، اسرای کربلا را هنگام عبور دادن از شهرها، خارجی می‌خواندند. نقش مهم حضرت زینب ع در تکمیل قیام امام حسین ع آن گاه آشکارتر می‌شود که بدانیم او با فصاحت بی نظیرش همچون فصاحت پدرش، امیر مؤمنان علی ع، با ایراد خطبه و سخنرانی در کوفه و شام، و با تبیین اهداف حرکت امام حسین ع توانست از سویی اهل بیت ع را به مردم – به ویژه شامیان – بشناساند و از سوی دیگر، ماهیت امویان را بر ملا سازد. اینها همه در حالی بود که امویان با تبلیغات مسموم، خود را تنها وارثان مکتب رسول خدا ص معرفی کرده بودند. حضرت زینب ع پس از حادثه کربلا و جریان اسارت، مدت اندکی در قید حیات بود و گفته شده که در نیمة رجب سال ۶۲ هجری به دیدار حق شتافت. هر چند درباره محل دفن آن حضرت اتفاق نظر وجود ندارد، اما امروزه در دمشق – پایتخت سوریه – حرم مجللی بر مزار منسوب به آن حضرت بنا شده که محل زیارت مشتاقان است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی قیام امام حسین ع را معرفی کنید.
- ۲- چگونگی آغاز نهضت امام حسین ع و حرکت حضرت از مدینه تا مکه را بیان کنید.
- ۳- ابن زیاد چگونه توانست مردم کوفه را برای جنگ در کربلا بسیج کند؟
- ۴- حُرْ بن یزید ریاحی که بود، چه کرد و چه سرانجامی داشت؟
- ۵- نقش تاریخی قیام امام حسین ع را توضیح دهید.
- ۶- چرا واقعه حَرَه به وقوع ییوست و سرانجام آن چگونه بود؟
- ۷- توایین به چه انگیزه‌ای قیام کردند و چه سرانجامی داشتند؟
- ۸- مختار ثقیقی و قیام او را معرفی کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- شرح حال یکی از شهدای برجسته در کربلا را به انتخاب خود، بررسی و ضمن گزارشی ارائه کنید.
- ۲- خطبه حضرت زینب ع یا امام سجاد ع در مقابل یزید را انتخاب کنید و همراه با توضیح فرازهای مهم، برای دوستانتان بازگویید.

منابع

- ١- نهج البلاغه، به تحقیق دکتر صبحی صالح
- ٢- آئینهوند، صادق، اطلس تاریخ اسلام، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۷۸.
- ٣- آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن پرشکوه ترین نرمیش تاریخ، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، مؤسسه انتشارات آسیا، ۱۳۵۴ ش.
- ٤- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، داشتگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ٥- ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، ۱۳۶۰ ش.
- ٦- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالحیاء للتراث العربی.
- ٧- ابن ابی شیبه کوفی، محمد، المصنف، به تحقیق سعید لحام، بیروت، دارالفنون، ۱۴۰۹ ق.
- ٨- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الملوك و الامم، محمد عبدالقدیر عطا و مصطفی عبدالقدیر عطا، بیروت، دارالكتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
- ٩- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الائمة للبغدادی، به تحقیق سامي الغربی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
- ١٠- ابن هشام، عبدالملک، سیرت رسول الله (ج)، ترجمة رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح دکتر اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲ ش.
- ١١- ———، السیرة النبویة، به تحقیق مصطفی سقاو...، مصر، ۱۳۵۵ ق.
- ١٢- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب والسنّة والادب، بیروت، دارالكتب العربی، ۱۳۹۷ ق.
- ١٣- باهنر، محمدجواد و اکبر هاشمی رفسنجانی، جهان در عصر بعثت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ١٤- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بغداد، مکتبه المثنی.
- ١٥- ———، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر نقره، ۱۳۶۷ ش.
- ١٦- بهشتی، محمدحسین، محیط پیدایش اسلام، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج سوم، ۱۳۷۲ ش.
- ١٧- پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.

- ۱۸- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۹- جعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه سیدمحمد تقی آیت‌الله، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۰- جعفری، یعقوب، بینش تاریخی نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۱- جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران، سازمان چغافیایی نیروهای مسلح، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- ۲۲- ———، تاریخ تحول دولت و خلافت، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۳- ———، تاریخ سیاسی اسلام، (۲ ج)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۴- ———، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۵- جوهری، ابوبکر، السقیفه و فدک، به تحقیق محمد‌هادی امینی، بیروت، شرکة الکتبی، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۶- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز، کتابفروشی حاج محمدباقر کتابچی، ۱۳۴۴ ش.
- ۲۷- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۸- حسنی، علی اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۹- حسینی ادیانی، سید ابوالحسن، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام، انوارالهدی، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۰- حکیمی، محمدرضا، حماسه غدیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ پانزدهم، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۱- حمیدالله، محمد، رسول اکرم ﷺ در میدان جنگ، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، کانون نشر محمدی، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۲- رازی، ابوحاتم، الجرح والتعديل، حیدرآباد، ۱۹۵۲ م.
- ۳۳- زرگری‌زاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام – عصر نبوت، سمت، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۴- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
- ۳۵- سبحانی، جعفر، راز بزرگ رسالت، تحلیلی از ۲۳ سال زندگی پیامبر اسلام ﷺ، کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸ ش.
- ۳۶- ———، فروغ ابدیت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۷- سیدنقی، میرخیلی، تحلیلی از تاریخ دوران پیامبر، تهران، هدی، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۸- سیوطی، جلال الدین، الدر المنشور فی التفسیر بالتأثر، بیروت، دارالعرفه، بی‌تا.
- ۳۹- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳ ش.
- ۴۰- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- ۴۱- شیخ طوسی، محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیر قرآن، قم، مکتب «الاعلام الاسلامی»، ۱۴۰۹ ق.
- ۴۲- شیخ مفید، محمدبن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه الحجج الله علی العباد، به تحقیق مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
- ۴۳- صدر، محمدباقر، فدک در تاریخ، ترجمه محمود عابدی، انتشارات روزیه، ۱۳۶۰ ش.

- ۴۴- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الامم والملوک*^۱، بیروت، اعلمی، بی تا.
- ۴۵- عسکری ، سیدمرتضی، *نقش آئمه در احیاء دین*، مجمع علمی اسلامی.
- ۴۶- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چ هفتم، ۱۳۷۰ ش.
- ۴۷- ———، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مجتبی مینوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- ۴۸- ماوردی ، علی بن محمد، *الاحکام السلطانیه*، مصر، السعاده، ۱۲۲۷ق.
- ۴۹- مدرسی، محمدتقی، امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ترجمه حمیدرضا آذیر، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- ۵۰- مرتضی، علامه سید جعفر، *سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام*، (۶ ج)، ترجمه حسین تاج‌آبادی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک، چ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- ۵۱- موسوی کاشانی، سید محمدحسن، بر امیر مؤمنان علی ع چ گذشت، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ۵۲- مونس، حسین، *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمه آذرناش آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۵ ش.
- ۵۳- نصیری (رضی) محمد، *تاریخ تحلیلی اسلام*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چ بیست و دوم، ۱۳۸۳ ش.
- ۵۴- هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، *نگرشی کوتاه به زندگی پیامبر اسلام* ع، قم، مؤسسه در راه حق، چ پنجم، ۱۳۶۱ ش.
- ۵۵- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، (۲ ج)، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ششم، ۱۳۷۱ ش.

